



چه جور آدم‌هایی هستند این‌ها؟

دکتر علی لطیفی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

«تفکر» (یا همان «فکر کردن») یک توانایی انسانی است که هر چند در همه انسان‌ها وجود دارد، لکن قوی یا ضعیف بودن آن در افراد فرق می‌کند. هر تفکری ارزشمند نیست، بلکه فکر کردن هنگامی ارزشمند است که دارای جهت‌گیری صحیح، تحت هدایت «عقل» و در مسیر دستیابی به سعادت باشد. با این حساب می‌توانیم بگوییم، در پرورش تفکر، باید به صورت توأمان، به تقویت توانایی تفکر و اصلاح جهت‌گیری آن بپردازیم. اما این هدف چگونه قابل دستیابی است؟ اگر بخواهیم اهل تفکر شایسته باشیم یا دانش‌آموزانمان را متفکر بار بیاوریم، چه باید بکنیم؟

معمولاً جواب خیلی افراد به این سؤال، چنین است: باید با استفاده از روش‌های گوناگون پرورش تفکر، مهارت‌های تفکر را در خود تقویت کنیم.

نظر شما درباره این پاسخ چیست؟ البته این پاسخ نادرست نیست، لکن به نظر می‌رسد همه پاسخ نیست. چرا؟

ویژگی‌هایی که در «خوب فکر کردن» و «فکر خوب کردن» اثرگذارند

این یک واقعیت است که فقط بعضی انسان‌ها هستند که در مواجهه با مسئله و چالش، در میانه تلاش علمی، در وسط گفت‌وگو یا در موقعیتی عملی، می‌توانند فکرشان را به کار بیندازند. این‌ها کسانی هستند که «خوب فکر می‌کنند». از میان همین عده نیز فقط برخی این تفکر را در مسیر صحیح به کار می‌برند؛ یعنی «فکر خوب می‌کنند».

همان‌طور که بلند کردن موفق یک وزنه سنگین توسط یک قهرمان در سالن شلوغ و پر استرس مسابقات جهانی، نشانه جمع بودن مجموعه‌ای از آمادگی‌ها و ویژگی‌های روحی و بدنی (همانند آمادگی جسمانی، تمرین‌ها و تجربه‌های قبلی، قدرت تمرکز و اعتماد به نفس) در اوست، انسان‌هایی که خوب فکر می‌کنند و فکر خوب می‌کنند نیز آمادگی‌ها و ویژگی‌هایی دارند. در یک تقسیم‌بندی، می‌توانیم این ویژگی‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کنیم: «برخورداری از منش‌ها و گرایش‌های تفکر صحیح و شایسته»، «آشنایی با مهارت‌ها و ابزارهای تفکر و ممارست در آن‌ها» و «برخورداری از بینش و آگاهی فلسفی درباره زندگی».

در ادامه، درباره هر یک از این سه دسته ویژگی، یا به عبارت دیگر، «صلاحیت‌های مورد نیاز برای تفکر صحیح و شایسته»، و اهمیت و نقش هر کدام از آن‌ها در فکر کردن، توضیح کوتاهی خواهد آمد.

کسب مهارت‌های تفکر = آشنایی با اصول، روش‌ها و ابزارها + تمرین + تمرین + تمرین + ...
حتما شما هم تاکنون مطالب زیادی درباره انواع «مهارت» و «مهارت‌آموزی» خوانده و شنیده‌اید، اما اصلاً «مهارت» چه جور چیزی است؟ البته این واژه می‌تواند معانی متعددی

داشته باشد، ولی به طور کلی می‌توانیم بگوییم، مهارت یعنی توانایی کافی برای انجام موفقیت‌آمیز یک فعالیت (خارجی یا ذهنی) با کیفیت و سرعت مناسب. با این تعریف، می‌توانیم، البته با اندکی تسامح، بگوییم، خود «فکر کردن» هم یک مهارت است. ولی معمولاً بین «تفکر» به عنوان یک توانایی گسترده و پیچیده و «مهارت‌های تفکر» فرقی مهم وجود دارد: «مهارت‌های تفکر» آن توانایی‌هایی هستند که برای کسب و تقویت «تفکر» به آن‌ها نیاز داریم. به عبارت دیگر، مهارت‌های تفکر، توانایی‌های واسطه‌ای برای نیل به یک توانایی برتر و پیچیده (یعنی خود

خود، تصمیم‌هایی شایسته و ارزش‌مدار بگیریم، نیازمند مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، باورها و ارزش‌ها هستیم که به منزله چارچوبی بینشی و معیار عمل، بر آن‌ها تکیه کنیم. هیچ انسانی بدون در نظر داشتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و معیارها، به تشخیص خوب و بد، اولویت‌گذاری و تصمیم‌گیری نمی‌پردازد. در حالی که چارچوب بینشی و معیار عمل برخی انسان‌ها، ناآگاهانه و تحت‌تأثیر امیال و هوس‌های زودگذر، عرف عمومی جامعه یا تقلید جاهلانه شکل گرفته است، اهل تفکر کسانی هستند که درباره پرسش‌های بنیادین زندگی خود عاقلانه اندیشیده‌اند و در نتیجه به فهمی اصیل از حیات انسانی دست یافته‌اند، سعادت و شقاوت را می‌شناسند، ملاک تشخیص خوبی از بدی را می‌دانند، و به هدف زندگی خود باور دارند و برای آن تلاش می‌کنند.

با این حساب، پرورش تفکر مستلزم زمینه‌سازی برای کسب آگاهی عمیق و اندیشه‌ورزانه نسبت به برخی پرسش‌ها و مضمون‌های فلسفی نیز هست. البته این سخن به معنای آموزش مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات خشک فلسفی یا آموزش تاریخ فیلسوفان نیست! آموزش فلسفه در اینجا یعنی کمک به اینکه متربی به فهمی عمیق و اصیل از چنین مسائلی دست یابد که: کیست؟ ارزش او در چیست؟ چگونه باید زندگی کند؟ البته در این مسیر، چه‌بسا بتوان از بعضی تبیین‌ها، استدلال‌ها و حتی تمثیل‌های اهل حکمت نیز به‌عنوان راهنما یا تلنگری برای توجه استفاده کرد، ولی در نهایت، چنین آگاهی‌هایی هنگامی ارزشمندند که از درون خود فرد بجوشند، نه اینکه به‌عنوان یافته‌های دیگران به او تلقین شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در شماره‌های آینده درباره برخی از این مهارت‌ها، فنون و ابزارها، توضیحات بیشتری خواهد آمد.

۲. برای ملاحظه برخی دیدگاه‌ها در این زمینه، ر.ک: بررسی اهداف، مبانی و اصول اسناد موجود برنامه درسی ایران از نظر پرورش تفکر. مریم صداقت و نرگس سجادیه. پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی واحد تهران. ۱۳۹۰. ص ۲۶-۲۷.

توانایی‌های خود به‌خوبی استفاده کنیم و هم استفاده خوب کنیم که مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اوصاف و منش‌های شخصیتی متناسب با آن توانایی و استفاده شایسته از آن را هم داشته باشیم. پژوهشگران بسیاری^۲ به این نکته اشاره کرده‌اند که تفکر خوب فقط با مسلط شدن بر مهارت‌ها و ابزارهای تفکر اتفاق نمی‌افتد، بلکه حتماً نیازمند انگیزش‌ها، گرایش‌ها، منش‌های شخصیتی و نگرش‌هایی است که هم ما را نسبت به اصل فکر کردن فعال کنند و هم تفکر را در مسیر صحیح قرار دهند و جلوی سوءاستفاده از آن را بگیرند. برای نمونه، کنجکاوی، صداقت، انتقادپذیری و حقیقت‌جویی، منش‌ها و فضایی فکری هستند که ملکه شدن آن‌ها در نهاد انسان متفکر، ضامن استفاده درست او از مهارت‌های اندیشه‌ورزی خواهد بود. در برابر، شخصی را تصور کنید که بر بسیاری از مهارت‌ها و ابزارهای تفکر مسلط است، اما آن قدر خودبزرگ‌بین است که همیشه به دنبال به کرسی نشاندن حرف خودش، و نه کشف حقیقت، است. چنین فردی مصداق همان ضرب‌المثل قدیمی است که:

چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا به همین خاطر، برخی مریبان پرورش تفکر هشدار داده‌اند، تمرکز بر آموزش مهارت‌های شناختی و ابزارهای تفکر، بدون پرورش منش‌ها و فضایل اخلاقی مورد نیاز برای فکر کردن، ممکن است این آسیب را در پی داشته باشد که از متربیان، انسان‌هایی همیشه مدعی و استدلال‌گر بسازد که بی‌اعتنا به حقیقت و خیر، و با استفاده از انواع سفسطه، هر آنچه را دلشان می‌خواهد اثبات یارد کنند.

پس برای خوب فکر کردن باید «اهل تفکر» بشویم؛ یعنی «تنظیمات پیش‌فرض» شخصیت‌مان را روی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و منش‌های اخلاقی ویژه تثبیت کنیم.

تبیین فلسفه زندگی

شاید فکر کردن برای حل یک مسئله ساده یا گرفتن یک تصمیم روزمره و عادی، چندان نیازمند آگاهی و بینش فلسفی نباشد، ولی قطعاً اگر بخواهیم از حقایق پیچیده و هزارتوی جهان هستی سر در بیاوریم، یا در موقعیت‌های زندگی

تفکر) و در خدمت آن هستند. نکته مهم دیگر اینکه مهارت‌های تفکر معمولاً از جنس توانایی‌های شناختی هستند. اندیشمندان طبقه‌بندی‌های متفاوتی از مهارت‌های تفکر ارائه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: جمع‌آوری و سازمان‌دهی معلومات (شامل خرده‌مهارت‌هایی مثل «مشاهده دقیق، جمع‌آوری اطلاعات و معلومات، طبقه‌بندی، مقایسه») و سنجش و ارزشیابی ادعاها (شامل خرده‌مهارت‌هایی مثل «بررسی کافی بودن دلایل و شواهد، تشخیص پیش‌فرض‌ها، تشخیص سوگیری‌ها، تشخیص انواع مغالطه‌ها»).

چگونه می‌توانیم بر یک مهارت فکری مسلط شویم؟ طبیعی است که اولین قدم برای کسب توانایی انجام موفقیت‌آمیز یک فعالیت، آگاهی از چگونگی انجام آن است. در این مرحله معمولاً باید یک مجموعه دستورالعمل، اصل یا توضیح درباره چگونگی (مثلاً تشخیص سوگیری در استدلال) را بیاموزیم. اما مرحله مهم‌تر، تمرین کردن در موقعیت‌های آموزشی و واقعی با استفاده از این دستورالعمل‌هاست. برای اینکه تمرین یک مهارت آسان‌تر شود، اندیشمندان، مریبان و فعالان پرورش تفکر، فن‌ها و ابزارهایی آماده و عرضه کرده‌اند. «نمودار استخوان ماهی»، «مدل کوه یخی»، «حلقه‌های بازخورد»، «تقشّه ذهنی» و حتی «طوفان ذهنی»، نمونه‌هایی از ابزارها و فن‌های تفکرند که هر کدام می‌توانند بستری مناسب برای تمرین یک یا چند مهارت فکری مهیا کنند.

تنظیمات پیش‌فرض: اهل تفکر

ما انسان‌ها در صورتی می‌توانیم هم از